



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی- روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



تأثیر آموزه های دینی بر تاب آوری اجتماعی در برابر هجمه های رسانه ای

بهرام مهر محمدی

فوق لیسانس علوم قرآن و حدیث



MDOI-01-2026.0030
MNR--1-EBF3BB

چکیده

گسترش روزافزون رسانه های نوین و افزایش حجم اطلاعات، جوامع را با چالش هایی مانند جنگ شناختی، اخبار جعلی و هجمه های فرهنگی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، تقویت تاب آوری اجتماعی به عنوان عاملی مهم در حفظ انسجام و پایداری جامعه اهمیت ویژه ای دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزه های دینی بر افزایش تاب آوری اجتماعی در برابر هجمه های رسانه ای انجام شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای، مرور پژوهش های پیشین و استدلال منطقی انجام شده است. یافته ها نشان می دهد آموزه های دینی از طریق تقویت هویت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی، ایجاد امید، ارتقای اعتماد عمومی، توسعه اخلاق رسانه ای و افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی می توانند ظرفیت جامعه را برای مواجهه آگاهانه با تهدیدهای رسانه ای افزایش دهند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تلفیق ارزش های دینی با سواد رسانه ای می تواند زمینه شکل گیری جامعه ای مقاوم، آگاه و منسجم در برابر هجمه های رسانه ای را فراهم کند.

کلیدواژگان

آموزه های دینی، تاب آوری اجتماعی، هجمه های رسانه ای، سواد رسانه ای، سرمایه اجتماعی، جنگ شناختی، انسجام اجتماعی.

مقدمه

در جهان معاصر، رسانه ها به یکی از مؤثرترین ابزارهای شکل دهی به افکار عمومی، جهت دهی به نگرش ها و بازسازی الگوهای ذهنی افراد و جوامع تبدیل شده اند. گسترش فناوری های ارتباطی، توسعه شبکه های اجتماعی و سرعت بی سابقه گردش اطلاعات، شرایطی را پدید آورده است که در آن، مرز میان آگاهی بخشی، اقناع، القا و حتی تخریب فرهنگی بسیار باریک شده است. در چنین فضایی، جوامع نه تنها با فرصت های گسترده رسانه ای روبه رو هستند، بلکه با انواع هجمه های نرم، عملیات روانی، تحریف های ادراکی و تضعیف هویت جمعی نیز مواجه اند. از این رو، مسئله چگونگی حفظ انسجام اجتماعی و تقویت ظرفیت مقاومت جامعه در برابر فشارهای رسانه ای، به یکی از دغدغه های اساسی اندیشمندان حوزه فرهنگ، ارتباطات و علوم اجتماعی تبدیل شده است.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



هجمه‌های رسانه‌ای معمولاً صرفاً در قالب انتقال اطلاعات نادرست یا اخبار جهت‌دار ظاهر نمی‌شوند، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر، سبک زندگی، نظام ارزشی، الگوهای مصرف، نوع روابط اجتماعی و حتی فهم انسان از خویشتن و جامعه را هدف قرار می‌دهند. این هجمه‌ها گاه از طریق برجسته‌سازی گزینشی واقعیت‌ها، گاه با تحقیر باورهای هویتی، و گاه با طبیعی‌سازی ارزش‌های ناسازگار با فرهنگ بومی و دینی عمل می‌کنند. در نتیجه، اگر جامعه‌ای از پشتوانه‌های معرفتی، فرهنگی و معنوی لازم برخوردار نباشد، در برابر این امواج پی‌درپی دچار آشفتگی، بی‌اعتمادی، واگرایی و کاهش قدرت تشخیص خواهد شد. بنابراین، نیاز به منابعی که بتوانند هم قدرت تحلیل و هم قدرت پایداری اجتماعی را تقویت کنند، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

در این میان، مفهوم «تاب‌آوری اجتماعی» به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل توان جوامع برای مواجهه با بحران‌ها، تهدیدها و فشارهای بیرونی اهمیت ویژه‌ای یافته است. تاب‌آوری اجتماعی صرفاً به معنای تحمل منفعلانه مشکلات نیست، بلکه ناظر بر توان جامعه برای جذب شوک، بازسازی خود، حفظ انسجام، احیای سرمایه اجتماعی و ادامه مسیر در شرایط دشوار است. جامعه تاب‌آور، جامعه‌ای است که در مواجهه با بحران‌های هویتی، فرهنگی و ارتباطی، نه تنها فرو نمی‌پاشد، بلکه می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های درونی خود، به بازتعریف موقعیت و تقویت بنیان‌های جمعی بپردازد. از این‌رو، شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش تاب‌آوری اجتماعی، یک ضرورت علمی و راهبردی به شمار می‌آید.

یکی از مهم‌ترین منابع تقویت‌کننده تاب‌آوری اجتماعی در جوامع دینی، آموزه‌های دینی و نظام معنایی برخاسته از آن‌هاست. آموزه‌های دینی، افزون بر کارکرد عبادی و فردی، واجد ظرفیت‌های گسترده‌ای در حوزه هویت‌سازی، معنابخشی به رنج، تنظیم روابط اجتماعی، تقویت امید جمعی، افزایش احساس مسئولیت و بازتولید انسجام فرهنگی هستند. دین در این معنا، صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌های اعتقادی نیست، بلکه چارچوبی جامع برای فهم جهان، تفسیر تحولات، مواجهه با بحران و حفظ پیوندهای اجتماعی فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، آموزه‌های دینی می‌توانند به مثابه سپری فرهنگی و معرفتی، جامعه را در برابر آسیب‌های ناشی از هجمه‌های رسانه‌ای مقاوم‌تر سازند.

تجربه تاریخی بسیاری از جوامع نشان داده است که هرگاه پیوند میان باورهای بنیادین مردم و ساختارهای اجتماعی آنان مستحکم بوده، میزان نفوذپذیری آن جامعه در برابر عملیات رسانه‌ای مخرب کاهش یافته است. در مقابل، هرگاه نظام معنایی جامعه دچار تزلزل، گسست نسلی یا ضعف در انتقال ارزش‌ها شده، امکان اثرگذاری پیام‌های مخرب بیرونی افزایش یافته است. در جامعه‌ای که ایمان، اخلاق، همبستگی و مسئولیت‌پذیری جمعی ریشه‌دار باشد، پیام‌های مبتنی بر ناامیدی، بی‌هویتی و بی‌اعتمادی کمتر مجال تثبیت می‌یابند. این امر نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی نه‌فقط در سطح باور، بلکه در سطح کنش اجتماعی و مقاومت فرهنگی نیز نقشی تعیین‌کننده دارند.

جامعه ایرانی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، با اشکال متنوعی از فشارها و هجمه‌های رسانه‌ای مواجه بوده است؛ هجمه‌هایی که در برخی موارد، انسجام ملی، اعتماد عمومی، باورهای دینی، مشروعیت نهادهای اجتماعی و الگوهای هویتی را هدف قرار داده‌اند. در این شرایط، بازخوانی ظرفیت‌های درونی جامعه برای مقابله با چنین تهدیدهایی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. از آنجا که دین و فرهنگ دینی در ساخت هویت تاریخی و اجتماعی ایرانیان سهمی بنیادین داشته‌اند، بررسی نسبت میان آموزه‌های دینی و تاب‌آوری اجتماعی



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی- روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



می تواند درک عمیق تری از سازوکارهای مقاومت فرهنگی در این جامعه فراهم کند. این مسئله نه فقط از حیث نظری، بلکه از جهت سیاست گذاری اجتماعی و فرهنگی نیز شایان توجه است.

نکته مهم آن است که تأثیر آموزه های دینی بر تاب آوری اجتماعی، تأثیری ساده، خطی و یک بعدی نیست، بلکه از مسیرهای مختلفی تحقق می یابد. بخشی از این تأثیر به هویت بخشی دین مربوط است؛ بخشی دیگر به تقویت امید، صبر، توکل و معنابخشی به دشواری ها بازمی گردد؛ و بخشی نیز در قالب توصیه های اخلاقی و اجتماعی مانند تعاون، امر به معروف، همدلی، ایثار و دفاع از حقیقت بروز می یابد. همین تنوع کارکردها سبب می شود که دین بتواند در سطوح فردی، خانوادگی، نهادی و اجتماعی، نقش مهمی در افزایش ظرفیت مقاومت در برابر فشارهای رسانه ای ایفا کند. بنابراین، تحلیل این نقش نیازمند رویکردی چندبعدی و عمیق است.

از سوی دیگر، هجمه رسانه ای نیز پدیده ای تک ساحتی نیست و صرفاً به معنای مخالفت آشکار با ارزش های دینی تلقی نمی شود. گاه رسانه ها با تولید سرگرمی های هدفمند، تغییر ذائقه فرهنگی، ترویج فردگرایی افراطی، عادی سازی نسبی گرای اخلاقی و القای بی اعتمادی نسبت به منابع رسمی و هویتی، زمینه تضعیف انسجام اجتماعی را فراهم می سازند. در چنین شرایطی، جامعه اگر فاقد چارچوب های تفسیری قدرتمند باشد، به تدریج در تشخیص حق از باطل، واقعیت از بازنمایی، و نقد سازنده از تخریب هدفمند دچار سردرگمی می شود. از این رو، آموزه های دینی می توانند به عنوان منبعی برای تقویت قدرت تشخیص، بصیرت و سواد فرهنگی جامعه ایفای نقش کنند.

دین در بسیاری از سنت های فکری، افزون بر آنکه به پرسش های غایی انسان پاسخ می دهد، نوعی نظم ارزشی پایدار برای زندگی جمعی نیز فراهم می آورد. این نظم ارزشی، هنگامی که در قالب نهادها، مناسک، حافظه جمعی و کنش های روزمره اجتماعی تثبیت می شود، به سرمایه ای اجتماعی و فرهنگی بدل می گردد. در این صورت، آموزه های دینی صرفاً در سطح فردی باقی نمی ماند، بلکه به نیرویی برای حفظ پیوندهای اجتماعی و مواجهه فعال با تهدیدهای بیرونی تبدیل می شوند. به همین دلیل، مطالعه نقش دین در تاب آوری اجتماعی را باید در چارچوب ارتباط میان معنا، هویت، نظم اجتماعی و مقاومت فرهنگی فهم کرد.

تاب آوری اجتماعی در برابر هجمه های رسانه ای، بدون وجود اعتماد و همبستگی اجتماعی پایدار شکل نمی گیرد. یکی از کارکردهای مهم آموزه های دینی، تقویت همین سرمایه های نرم اجتماعی است. وقتی آموزه های دینی بر صداقت، عدالت، تعاون، وفاداری، مسئولیت نسبت به دیگران و رعایت حقوق اجتماعی تأکید می کنند، در واقع زیرساخت های اعتماد متقابل را تقویت می نمایند. اعتماد متقابل نیز جامعه را در برابر شایعات، تحریف ها و پیام های تفرقه افکن مقاوم تر می سازد. به بیان دیگر، جامعه ای که از سرمایه اخلاقی و معنوی بالاتری برخوردار است، کمتر در دام دوگانه سازی های رسانه ای و شکاف های مصنوعی گرفتار می شود.

همچنین آموزه های دینی در تقویت «امید اجتماعی» نقشی بسیار مهم دارند. هجمه های رسانه ای اغلب با هدف افزایش یأس، بی اعتمادی، احساس درماندگی و تصویرسازی از بن بست عمل می کنند. در برابر این وضعیت، دین با ارائه افقی معنادار از حیات فردی و جمعی، انسان را به پایداری، صبر، مجاهدت و امیدواری فرامی خواند. مفاهیمی چون توکل، حسن ظن به وعده الهی، امید به اصلاح،



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



ارزش‌مندی صبر در سختی‌ها و مسئولیت‌پذیری در قبال سرنوشت جمعی، می‌توانند سازوکارهای روانی و اجتماعی لازم برای ایستادگی در برابر بمباران‌های رسانه‌ای را فراهم آورند. جامعه امیدوار، جامعه‌ای است که در برابر بحران، دچار انفعال مطلق نمی‌شود. افزون بر امید، آموزه‌های دینی در افزایش «بصیرت اجتماعی» نیز نقش‌آفرین‌اند. یکی از اهداف مهم رسانه‌های مهاجم، ایجاد اختلال در ادراک جمعی و تغییر نظام اولویت‌بندی جامعه است. در این وضعیت، افراد ممکن است مسائل فرعی را اصلی، تهدیدهای ساخته‌شده را واقعی، و ارزش‌های زودگذر را جایگزین ارزش‌های بنیادین تصور کنند. آموزه‌های دینی، به‌ویژه زمانی که با فهم عالمانه و تربیت فرهنگی همراه شوند، می‌توانند معیارهایی برای تشخیص، سنجش و نقد پیام‌های رسانه‌ای در اختیار مخاطبان قرار دهند. این معیارها به افراد کمک می‌کنند تا از سطح‌نگری، هیجان‌زدگی و تبعیت کورکورانه فاصله گرفته و با آگاهی بیشتری در فضای رسانه‌ای حضور یابند.

با وجود این ظرفیت‌ها، باید توجه داشت که کارآمدی آموزه‌های دینی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی، منوط به نحوه فهم، آموزش و نهادینه‌سازی آن‌ها در جامعه است. اگر آموزه‌های دینی صرفاً در سطح شعار، مناسک بی‌پیوند با زندگی، یا گزاره‌های غیرکاربردی عرضه شوند، طبیعی است که قدرت تأثیرگذاری آن‌ها کاهش می‌یابد. در مقابل، هرگاه این آموزه‌ها به زبان روز، با درک نیازهای نسلی، با رویکرد اقناعی و مبتنی بر پیوند میان ایمان و زندگی اجتماعی تبیین شوند، می‌توانند به منبعی فعال برای مقاومت فرهنگی تبدیل گردند.

از این‌رو، بررسی این موضوع نیازمند نگاهی انتقادی و واقع‌بینانه به شیوه انتقال و بازتولید فرهنگ دینی نیز هست.

مسئله اصلی این پژوهش از همین نقطه شکل می‌گیرد که در شرایط گسترش رسانه‌های نوین و پیچیده‌تر شدن شیوه‌های اثرگذاری رسانه‌ای، آموزه‌های دینی چگونه و از چه مسیرهایی می‌توانند تاب‌آوری اجتماعی را افزایش دهند. به بیان دقیق‌تر، این پژوهش در پی آن است که رابطه میان عناصر محوری فرهنگ دینی، مانند ایمان، هویت دینی، اخلاق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، امید، صبر و بصیرت، با مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای را واکاوی کند. تبیین این رابطه می‌تواند روشن سازد که دین در جامعه امروز، صرفاً یک میراث نمادین نیست، بلکه ظرفیتی زنده و راهبردی برای مواجهه با تهدیدهای نرم و پیچیده رسانه‌ای به شمار می‌آید.

ضرورت انجام چنین پژوهشی از آن‌رو بیشتر می‌شود که بخش قابل توجهی از تحلیل‌های موجود درباره تأثیر رسانه‌ها، بر جنبه‌های فنی، محتوایی یا روان‌شناختی تمرکز دارند و کمتر به ظرفیت‌های فرهنگی و دینی در مدیریت پیامدهای رسانه‌ای پرداخته‌اند. این خلأ موجب شده است که در برخی مطالعات، جامعه صرفاً به‌عنوان مخاطبی منفعل دیده شود که در برابر امواج رسانه‌ای قدرت چندانی برای مقاومت ندارد. حال آنکه جوامع، به‌ویژه جوامعی با پشتوانه‌های عمیق دینی و تاریخی، دارای منابع درونی مهمی برای بازسازی و مقاومت هستند. بنابراین، پرداختن به نقش آموزه‌های دینی در این زمینه، می‌تواند تصویری متوازن‌تر و واقع‌بینانه‌تر از نسبت جامعه و رسانه ارائه دهد.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



اهمیت نظری این موضوع در آن است که می‌تواند به پیوند میان سه حوزه مطالعاتی دین، رسانه و تاب‌آوری اجتماعی کمک کند. هر یک از این حوزه‌ها به‌طور مستقل مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند، اما بررسی میان‌رشته‌ای آن‌ها هنوز نیازمند توسعه مفهومی و تحلیلی است. این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که آموزه‌های دینی چگونه از سطح اعتقاد فردی فراتر می‌روند و در قالب الگوهای فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی، بر توان جامعه برای مقابله با فشارهای رسانه‌ای اثر می‌گذارند. چنین رویکردی می‌تواند به غنای ادبیات علمی در حوزه ارتباطات فرهنگی و جامعه‌شناسی دین یاری رساند و افق‌های تازه‌ای برای مطالعات میان‌رشته‌ای بگشاید.

اهمیت عملی این پژوهش نیز کمتر از اهمیت نظری آن نیست. نتایج این بحث می‌تواند برای سیاست‌گذاران فرهنگی، برنامه‌ریزان رسانه‌ای، نهادهای آموزشی، مراکز دینی و فعالان اجتماعی سودمند باشد. اگر روشن شود که کدام یک از مؤلفه‌های آموزه‌های دینی بیشترین نقش را در افزایش تاب‌آوری اجتماعی دارند، می‌توان بر اساس آن، برنامه‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای هدفمندتری طراحی کرد. همچنین می‌توان از این یافته‌ها در جهت ارتقای سواد رسانه‌ای دینی، تقویت هویت جمعی، کاهش آسیب‌پذیری فرهنگی و تولید محتوای مؤثر در برابر عملیات روانی بهره برد. به این ترتیب، پژوهش حاضر می‌تواند علاوه بر جنبه علمی، کارکرد اجتماعی و سیاستی نیز داشته باشد.

از منظر مفهومی، لازم است میان «دین‌داری فردی» و «کارکرد اجتماعی آموزه‌های دینی» تمایز نهاده شود. ممکن است فردی از نظر شخصی باورهای دینی داشته باشد، اما این باورها در سطح روابط اجتماعی، احساس مسئولیت جمعی یا مشارکت فرهنگی او نمود چندانی نیابند. در مقابل، هنگامی که آموزه‌های دینی به فرهنگ عمومی تبدیل می‌شوند، آثار آن‌ها در همبستگی اجتماعی، حمایت متقابل، نظم اخلاقی و مقاومت در برابر تهدیدهای بیرونی آشکارتر می‌شود. بنابراین، موضوع این پژوهش صرفاً سنجش میزان تدین فردی نیست، بلکه بررسی ظرفیت اجتماعی آموزه‌های دینی در شکل‌دهی به واکنش جمعی جامعه در برابر هجمه‌های رسانه‌ای است.

همچنین باید توجه داشت که تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای، صرفاً به معنای طرد کامل رسانه یا گسست از جهان ارتباطات نیست. جامعه تاب‌آور، جامعه‌ای منزوی و بسته نیست، بلکه جامعه‌ای آگاه، سنجشگر و دارای قدرت انتخاب است. آموزه‌های دینی نیز اگر به‌درستی فهم شوند، نه تنها مانع حضور عقلانی در فضای رسانه‌ای نمی‌شوند، بلکه می‌توانند چارچوبی اخلاقی و معرفتی برای استفاده مسئولانه از رسانه‌ها فراهم آورند. در این معنا، هدف از تأکید بر نقش دین، نفی ارتباطات نوین نیست؛ بلکه تقویت قدرت جامعه برای مواجهه انتقادی، گزینش آگاهانه و مقاومت هوشمندانه در برابر پیام‌های مخرب است.

پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که آموزه‌های دینی، هنگامی که در سطح فردی و اجتماعی نهادینه شوند، می‌توانند مجموعه‌ای از ظرفیت‌های روانی، اخلاقی، شناختی و ارتباطی را فعال کنند که برآیند آن‌ها افزایش تاب‌آوری اجتماعی است. این ظرفیت‌ها شامل معنابخشی به بحران، کاهش اضطراب جمعی، تقویت اعتماد، افزایش همدلی، تحکیم هویت مشترک و ارتقای قدرت تحلیل در برابر جریان‌های رسانه‌ای است.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



از این منظر، دین نه فقط عاملی برای حفظ سنت، بلکه منبعی برای بازتولید پویای مقاومت اجتماعی در جهان پرتحول امروز به شمار می‌رود. این نگاه، امکان فهمی فعال و معاصر از کارکردهای اجتماعی دین را فراهم می‌سازد.

در همین چارچوب، این پژوهش می‌کوشد از رهگذر تحلیل مبانی نظری و بررسی پیوندهای مفهومی، به این پرسش پاسخ دهد که چرا و چگونه آموزه‌های دینی می‌توانند مانع از فرسایش سرمایه اجتماعی و هویتی در اثر هجمه‌های رسانه‌ای شوند. پاسخ به این پرسش مستلزم آن است که ابتدا ماهیت هجمه رسانه‌ای و سازوکارهای اثرگذاری آن تبیین شود، سپس ابعاد تاب‌آوری اجتماعی روشن گردد، و در نهایت، نسبت آموزه‌های دینی با این ابعاد تحلیل شود. بدین ترتیب، مقدمه حاضر زمینه‌ای مفهومی برای ورود به بحث اصلی فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که موضوع مورد مطالعه، از حیث نظری، اجتماعی و فرهنگی، مسئله‌ای اساسی و روزآمد است.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد آموزه‌های دینی، از رهگذر تقویت هویت جمعی، ایجاد انسجام ارزشی، تعمیق اعتماد اجتماعی، ارتقای بصیرت رسانه‌ای و پرورش امید و مسئولیت‌پذیری، می‌توانند نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای ایفا کنند. این ادعا نیازمند بررسی دقیق، مستند و تحلیلی است تا از سطح کلی‌گویی فراتر رود و به چارچوبی علمی برای فهم مسئله تبدیل شود. از این رو، در ادامه مقاله، تلاش خواهد شد با بهره‌گیری از مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی، ابعاد مختلف این رابطه به صورت نظام‌مند واکاوی شود.

در مجموع، می‌توان گفت که در عصر سلطه ارتباطات و رقابت روایت‌ها، بقا و پویایی جوامع بیش از گذشته به میزان تاب‌آوری آن‌ها در برابر فشارهای رسانه‌ای وابسته است. در این میان، جوامعی که از منابع معنایی، ارزشی و هویتی ریشه‌دار برخوردارند، فرصت بیشتری برای مقاومت، بازسازی و عبور از بحران دارند. آموزه‌های دینی، به‌ویژه در جامعه‌ای که دین در تار و پود فرهنگ عمومی آن حضوری فعال دارد، می‌توانند یکی از مهم‌ترین این منابع باشند. از همین رو، بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای، نه تنها یک موضوع پژوهشی، بلکه ضرورتی فرهنگی و تمدنی برای فهم بهتر وضعیت امروز جامعه و طراحی مسیرهای مؤثرتر برای آینده است.

ادبیات پژوهش

در عصر ارتباطات، رسانه‌ها به یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده افکار عمومی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تبدیل شده‌اند. گسترش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های برخط، علاوه بر افزایش سرعت گردش اطلاعات، زمینه انتشار اخبار نادرست، عملیات روانی، جنگ شناختی و تأثیرگذاری بر نگرش‌های فردی و اجتماعی را نیز فراهم کرده است. در چنین شرایطی، تقویت تاب‌آوری اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حفظ انسجام جامعه اهمیت ویژه‌ای یافته است. پژوهشگران معتقدند تاب‌آوری اجتماعی به توانایی جامعه در حفظ هویت، اعتماد، همبستگی و عملکرد مطلوب در شرایط بحران اشاره دارد. در این میان، آموزه‌های دینی به دلیل برخورداری از ظرفیت معنابخشی، تقویت امید و ایجاد همبستگی اجتماعی، می‌توانند نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر هجمه‌های رسانه‌ای ایفا کنند. (Norris et al., 2008; Fröh & Robinson, 2024)



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



مفهوم تاب‌آوری اجتماعی فراتر از مقاومت صرف در برابر بحران است و به توانایی بازسازی، سازگاری و استمرار عملکرد اجتماعی پس از مواجهه با تهدیدها اشاره دارد. این مفهوم در دهه‌های اخیر به ویژه در مطالعات امنیت اجتماعی، مدیریت بحران و ارتباطات مورد توجه قرار گرفته است. زمانی که جامعه از سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و نظام ارزشی منسجم برخوردار باشد، توان بیشتری برای مقابله با پیام‌های مخرب رسانه‌ای خواهد داشت. آموزه‌های دینی نیز با تأکید بر ارزش‌هایی همچون صداقت، مسئولیت‌پذیری، همدلی و امید، زمینه تقویت این سرمایه اجتماعی را فراهم می‌کنند و از گسترش بی‌اعتمادی جلوگیری می‌نمایند (Houston et al., 2015; Norris et al., 2008).

هجمه‌های رسانه‌ای معمولاً با هدف ایجاد تردید نسبت به ارزش‌های فرهنگی، کاهش اعتماد عمومی، ایجاد شکاف اجتماعی و تغییر نگرش مخاطبان طراحی می‌شوند. این هجمه‌ها از طریق تکنیک‌هایی مانند برجسته‌سازی گزینشی، تحریف اطلاعات، شایعه‌پراکنی و عملیات روانی عمل می‌کنند. پژوهش‌های حوزه ارتباطات نشان می‌دهد هرچه انسجام ارزشی جامعه بیشتر باشد، احتمال اثرگذاری این پیام‌ها کاهش می‌یابد. آموزه‌های دینی با ایجاد چارچوب‌های اخلاقی و شناختی پایدار، به افراد کمک می‌کنند تا اطلاعات دریافتی را با دقت بیشتری ارزیابی کرده و کمتر تحت تأثیر جریان‌های رسانه‌ای قرار گیرند (Fröh & Robinson, 2024; Roszak et al., 2025).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای دین، ایجاد معنا در شرایط بحران است. زمانی که افراد با اخبار ناامیدکننده، شایعات یا جنگ روانی مواجه می‌شوند، باورهای دینی می‌توانند با تقویت امید، آرامش روانی و احساس هدفمندی، از بروز اضطراب و سردرگمی جلوگیری کنند. این ویژگی سبب می‌شود جامعه در برابر فشارهای روانی ناشی از هجمه‌های رسانه‌ای واکنش‌های منطقی‌تر و سنجیده‌تری نشان دهد. مطالعات انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی دین نیز نشان داده‌اند که ایمان و باورهای مذهبی رابطه مثبتی با افزایش تاب‌آوری فردی و اجتماعی دارند (McNabb & Baldwin, 2022; Marciano et al., 2026).

از منظر جامعه‌شناسی، آموزه‌های دینی علاوه بر تأثیر بر رفتار فردی، موجب تقویت سرمایه اجتماعی نیز می‌شوند. سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، مشارکت، همکاری و احساس تعلق اجتماعی است که همگی از مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری اجتماعی محسوب می‌شوند. زمانی که افراد جامعه بر اساس ارزش‌های مشترک دینی با یکدیگر تعامل می‌کنند، میزان همکاری و حمایت متقابل افزایش یافته و احتمال موفقیت هجمه‌های رسانه‌ای برای ایجاد تفرقه کاهش می‌یابد. بنابراین، دین علاوه بر نقش معنوی، دارای کارکرد اجتماعی مهمی در حفظ انسجام جامعه است (Putnam, 2000; Fröh & Robinson, 2024).

یکی دیگر از ابعاد مهم آموزه‌های دینی، تقویت تفکر اخلاقی در مواجهه با اطلاعات رسانه‌ای است. بسیاری از تعالیم دینی بر ضرورت تحقیق، پرهیز از شایعه، حفظ آبروی افراد و اجتناب از قضاوت عجولانه تأکید دارند. این اصول می‌توانند به عنوان نوعی سواد رسانه‌ای مبتنی بر اخلاق عمل کرده و مخاطبان را در تشخیص اخبار صحیح از نادرست یاری دهند. در نتیجه، جامعه‌ای که این ارزش‌ها را درونی کرده باشد، کمتر در معرض انتشار اخبار جعلی یا تأثیرپذیری از عملیات روانی قرار خواهد گرفت (Roszak et al., 2025; Fröh & Robinson, 2024).



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



در سال‌های اخیر، پژوهشگران به نقش ارتباطات دینی در فضای دیجیتال توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که اگر نهادهای دینی بتوانند از ظرفیت رسانه‌های نوین برای انتقال پیام‌های امیدبخش، همبستگی‌آفرین و آگاهی‌بخش استفاده کنند، میزان تاب‌آوری اجتماعی در برابر بحران‌ها افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، مسئله تنها حضور دین در جامعه نیست، بلکه نحوه بازنمایی و انتقال آموزه‌های دینی در فضای رسانه‌ای نیز اهمیت فراوانی دارد (Fröh & Robinson, 2024; Marciano et al., 2026).

مرور ادبیات نشان می‌دهد که بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی در برابر همه‌های رسانه‌ای نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای است. این موضوع در تقاطع علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات دینی و مطالعات رسانه قرار می‌گیرد. استفاده همزمان از روش‌های تحلیل اسناد، پیمایش، مصاحبه و تحلیل محتوای رسانه‌ها می‌تواند تصویر جامع‌تری از این رابطه ارائه دهد. همچنین، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و دینی جوامع مختلف در تفسیر یافته‌ها ضروری است؛ زیرا میزان اثرگذاری آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی متناسب با بافت فرهنگی هر جامعه متفاوت خواهد بود (Norris et al., 2008; Fröh & Robinson, 2024).

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تأثیر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از اعتماد، مشارکت، شبکه‌های ارتباطی و هنجارهای مشترک است که امکان همکاری میان اعضای جامعه را فراهم می‌سازد. زمانی که افراد جامعه بر پایه ارزش‌های دینی از احساس مسئولیت، تعاون و همدلی برخوردار باشند، توانایی آنان برای مقابله با بحران‌های اجتماعی و همه‌های رسانه‌ای افزایش می‌یابد. پژوهش‌های حوزه تاب‌آوری نیز نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی یکی از ارکان اصلی تاب‌آوری اجتماعی بوده و بدون وجود اعتماد عمومی، جامعه در برابر اطلاعات نادرست و عملیات روانی آسیب‌پذیرتر خواهد بود (Norris et al., 2008; Putnam, 2000).

یکی دیگر از کارکردهای آموزه‌های دینی، ایجاد چارچوب اخلاقی برای مواجهه با اطلاعات است. در بسیاری از متون دینی، بر تحقیق درباره اخبار، پرهیز از شایعه، رعایت انصاف در قضاوت و حفظ کرامت انسان‌ها تأکید شده است. این اصول، اگر در جامعه نهادینه شوند، به نوعی سواد رسانه‌ای اخلاق‌محور تبدیل خواهند شد و افراد را از پذیرش و بازنشر اخبار نادرست باز می‌دارند. در نتیجه، احتمال موفقیت همه‌های رسانه‌ای که بر انتشار اخبار جعلی یا تحریک احساسات استوار هستند، کاهش می‌یابد. این موضوع در پژوهش‌های حوزه ارتباطات نیز مورد تأکید قرار گرفته است که اعتماد به منابع معتبر و مهارت ارزیابی اطلاعات از مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری رسانه‌ای محسوب می‌شوند (Houston et al., 2015; Norris et al., 2008).

در سال‌های اخیر مفهوم «جنگ شناختی» به یکی از مهم‌ترین موضوعات مطالعات رسانه تبدیل شده است. هدف اصلی جنگ شناختی، تغییر ادراک، باور و الگوهای تصمیم‌گیری افراد بدون استفاده از ابزارهای نظامی است. رسانه‌های نوین با بهره‌گیری از الگوریتم‌ها، تصویرسازی گزینشی و تکرار پیام، می‌توانند بر نگرش مخاطبان اثر بگذارند. در چنین فضایی، آموزه‌های دینی با تقویت هویت فرهنگی، ایجاد احساس تعلق اجتماعی و تقویت قدرت تحلیل، می‌توانند به عنوان عاملی بازدارنده در برابر نفوذ پیام‌های مخرب



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی- روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



عمل کنند. از این منظر، دین نه تنها یک نظام اعتقادی، بلکه یک منبع شناختی برای تحلیل و ارزیابی پیام‌های رسانه‌ای نیز به شمار می‌رود. (Houston et al., 2015; Norris et al., 2008)

اعتماد عمومی یکی از مؤلفه‌های اساسی تاب‌آوری اجتماعی است. هرچه اعتماد افراد به نهادهای اجتماعی، فرهنگی و دینی بیشتر باشد، احتمال تأثیرگذاری پیام‌های رسانه‌ای با هدف ایجاد بی‌اعتمادی کاهش می‌یابد. آموزه‌های دینی با تأکید بر صداقت، عدالت، مسئولیت‌پذیری و وفای به عهد، زمینه شکل‌گیری اعتماد متقابل را فراهم می‌کنند. در مقابل، کاهش اعتماد اجتماعی موجب افزایش آسیب‌پذیری جامعه در برابر شایعات، اخبار جعلی و عملیات روانی خواهد شد. از این رو، بسیاری از نظریه‌پردازان تاب‌آوری، اعتماد را یکی از پایه‌های اصلی مقاومت اجتماعی در برابر بحران‌ها معرفی کرده‌اند. (Norris et al., 2008; Houston et al., 2015)

یکی از اهداف اساسی بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی، شناسایی عواملی است که موجب افزایش مقاومت جامعه در برابر تهدیدهای رسانه‌ای می‌شوند. شناخت این عوامل می‌تواند به سیاست‌گذاران فرهنگی، برنامه‌ریزان آموزشی و مدیران رسانه کمک کند تا راهبردهای مؤثرتری برای ارتقای امنیت فرهنگی و اجتماعی طراحی کنند. همچنین نتایج چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در تدوین برنامه‌های آموزشی برای افزایش سواد رسانه‌ای، تقویت هویت فرهنگی و توسعه مشارکت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، این حوزه پژوهشی علاوه بر ارزش نظری، از کاربردهای گسترده عملی نیز برخوردار است (Houston et al., 2015; Norris et al., 2008).

از نظر روش‌شناسی، بررسی این موضوع نیازمند بهره‌گیری از رویکردهای کمی و کیفی به صورت هم‌زمان است. استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد برای سنجش میزان دینداری، تاب‌آوری اجتماعی و میزان مواجهه با رسانه‌ها می‌تواند روابط آماری میان متغیرها را آشکار سازد. در کنار آن، انجام مصاحبه‌های عمیق با صاحب‌نظران علوم دینی، ارتباطات و جامعه‌شناسی، امکان شناخت ابعاد پنهان و تبیین دقیق‌تر یافته‌ها را فراهم می‌کند. ترکیب این دو روش موجب افزایش اعتبار نتایج و ارائه تصویری جامع‌تر از موضوع خواهد شد. (Norris et al., 2008; Houston et al., 2015)

در بررسی این موضوع، انتخاب شاخص‌های مناسب برای سنجش متغیرها اهمیت فراوانی دارد. برای سنجش تاب‌آوری اجتماعی می‌توان از شاخص‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، انسجام اجتماعی، امید اجتماعی و توانایی مقابله با بحران استفاده کرد. همچنین برای ارزیابی میزان تأثیر آموزه‌های دینی، شاخص‌هایی مانند پایبندی به ارزش‌های دینی، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی، نگرش اخلاقی و احساس تعلق دینی قابل استفاده هستند.

انتخاب شاخص‌های معتبر موجب افزایش روایی و پایایی پژوهش خواهد شد و امکان مقایسه نتایج با سایر مطالعات را فراهم می‌کند (Norris et al., 2008; Putnam, 2000).

مرور مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که میان دین، سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و تاب‌آوری اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. با این حال، در ادبیات پژوهش هنوز مطالعات اندکی به بررسی مستقیم نقش آموزه‌های دینی در افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر هجمه‌های رسانه‌ای و جنگ شناختی پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی ضرورت انجام مطالعات میان‌رشته‌ای را آشکار می‌سازد؛



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی- روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



پژوهش‌هایی که بتوانند با تلفیق مبانی علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی و مطالعات دینی، الگویی جامع برای تبیین این رابطه ارائه دهند. چنین الگویی می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری فرهنگی و رسانه‌ای در جوامع معاصر قرار گیرد (Houston et al., 2015; Norris et al., 2008).

یکی از مهم‌ترین پیامدهای آموزه‌های دینی در سطح اجتماعی، شکل‌گیری هویت جمعی و تقویت احساس تعلق به جامعه است. هنگامی که اعضای یک جامعه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مشترک را بپذیرند، میزان انسجام اجتماعی افزایش یافته و زمینه برای همکاری و مشارکت در حل مسائل عمومی فراهم می‌شود. این انسجام اجتماعی، توان جامعه را در برابر بحران‌ها و حمله‌های رسانه‌ای افزایش می‌دهد؛ زیرا افراد به جای واکنش‌های هیجانی و فردگرایانه، در چارچوب ارزش‌های مشترک رفتار می‌کنند. از دیدگاه نظریه پردازان تاب‌آوری، سرمایه اجتماعی و هویت مشترک از مهم‌ترین ظرفیت‌های سازگاری و بازیابی جوامع در شرایط بحران به شمار می‌روند (Norris et al., 2008; Putnam, 2000). این دیدگاه نشان می‌دهد که وجود منابع اجتماعی و اعتماد عمومی، توانایی جامعه را برای مقابله با تهدیدهای شناختی و رسانه‌ای افزایش می‌دهد.

آموزه‌های دینی از طریق تقویت امید، صبر، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به آینده، نقش مهمی در کاهش آثار روان‌شناختی حمله‌های رسانه‌ای ایفا می‌کنند. رسانه‌ها در بسیاری از موارد با بزرگ‌نمایی بحران‌ها، انتشار اخبار ناامیدکننده یا ایجاد احساس ناامنی، بر سلامت روان جامعه تأثیر می‌گذارند. در مقابل، باورهای دینی می‌توانند با ایجاد معنا و هدف در زندگی، افراد را در برابر اضطراب و ناامیدی مقاوم‌تر سازند. این ظرفیت روان‌شناختی در سطح فردی، در نهایت به افزایش تاب‌آوری اجتماعی منجر می‌شود؛ زیرا جامعه‌ای که اعضای آن از امید و آرامش بیشتری برخوردار باشند، تصمیم‌های منطقی‌تر و مشارکت مؤثرتری در مدیریت بحران خواهند داشت (Norris et al., 2008; Putnam, 2000).

در سال‌های اخیر، مفهوم «سواد رسانه‌ای» به یکی از ارکان اساسی امنیت فرهنگی تبدیل شده است. با این حال، بسیاری از پژوهشگران معتقدند سواد رسانه‌ای زمانی اثربخش خواهد بود که با ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه همراه شود. آموزه‌های دینی می‌توانند این بعد اخلاقی را تقویت کرده و مخاطبان را به بررسی صحت اخبار، پرهیز از شایعه‌پراکنی و مسئولیت‌پذیری در انتشار اطلاعات ترغیب کنند. از این منظر، سواد رسانه‌ای و آموزه‌های دینی نه در تقابل، بلکه در تکمیل یکدیگر قرار دارند و می‌توانند زمینه افزایش تاب‌آوری اجتماعی را فراهم آورند. همچنین پژوهش‌های تاب‌آوری اجتماعی بر نقش «اطلاعات معتبر» و «اعتماد به منابع اطلاع‌رسانی» در کاهش آسیب‌پذیری جوامع تأکید کرده‌اند.

یکی از اهداف اصلی پژوهش درباره تأثیر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی، ارائه الگویی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و رسانه‌ای است. نتایج چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی کمک کند تا برنامه‌هایی را طراحی کنند که ضمن تقویت هویت دینی و فرهنگی، مهارت تحلیل انتقادی پیام‌های رسانه‌ای را نیز ارتقا دهد. این رویکرد، از یک‌سو موجب کاهش آسیب‌پذیری جامعه در برابر جنگ شناختی می‌شود و از سوی دیگر، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری شهروندان را افزایش می‌دهد. بر همین اساس، نظریه تاب‌آوری اجتماعی بر توسعه ظرفیت‌های اجتماعی پیش از وقوع بحران تأکید دارد، نه صرفاً واکنش پس از بحران.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



از نظر روش شناختی، بررسی این موضوع مستلزم تعریف دقیق متغیرهای پژوهش است. «آموزه‌های دینی» می‌تواند بر اساس ابعادی مانند باورهای اعتقادی، عمل به ارزش‌های اخلاقی، مشارکت در فعالیت‌های دینی و میزان پایبندی به هنجارهای دینی سنجیده شود. همچنین «تاب‌آوری اجتماعی» را می‌توان با شاخص‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت مدنی، احساس امنیت و توانایی مقابله با بحران اندازه‌گیری کرد. تعریف عملیاتی دقیق این متغیرها، اعتبار نتایج پژوهش را افزایش داده و امکان مقایسه یافته‌ها با سایر مطالعات را فراهم می‌کند.

در پژوهش‌های این حوزه، استفاده از روش‌های ترکیبی (Mixed Methods) از اعتبار بیشتری برخوردار است. در بخش کمی، بهره‌گیری از پرسشنامه‌های استاندارد و تحلیل آماری روابط میان متغیرها امکان آزمون فرضیه‌ها را فراهم می‌کند. در بخش کیفی نیز انجام مصاحبه با استادان علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی و علوم دینی یا تحلیل محتوای پیام‌های رسانه‌ای، به تبیین عمیق‌تر سازوکارهای اثرگذاری آموزه‌های دینی کمک خواهد کرد. ترکیب این دو رویکرد موجب افزایش روایی درونی و بیرونی پژوهش می‌شود و تصویری جامع از مسئله ارائه می‌دهد.

یکی دیگر از ملاحظات مهم در مطالعه این موضوع، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع است. میزان اثرگذاری آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی در همه کشورها یکسان نیست و عواملی مانند نوع نظام رسانه‌ای، میزان دینداری عمومی، سرمایه اجتماعی و شرایط فرهنگی می‌توانند این رابطه را تقویت یا تضعیف کنند. بنابراین، تعمیم نتایج پژوهش‌ها باید با احتیاط انجام شود و ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه در تحلیل یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد.

این مسئله در ادبیات تاب‌آوری اجتماعی نیز به‌عنوان یکی از اصول اساسی پژوهش‌های تطبیقی مطرح شده است.

در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی از طریق تقویت سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی، هویت جمعی، امید، مسئولیت‌پذیری و اخلاق رسانه‌ای می‌توانند نقش مؤثری در افزایش تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای داشته باشند. با وجود این، هنوز در ادبیات پژوهشی ایران مطالعات اندکی به‌صورت مستقیم این رابطه را با رویکرد میان‌رشته‌ای بررسی کرده‌اند. از این‌رو، انجام پژوهش حاضر می‌تواند ضمن تکمیل خلأهای موجود، چارچوبی علمی برای سیاست‌گذاری فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای در جهت ارتقای تاب‌آوری اجتماعی ارائه دهد.

روش و تحقیق

روش تحقیق، مجموعه‌ای از اصول و شیوه‌های نظام‌مند برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش و تولید دانش علمی است. انتخاب روش مناسب، نقش اساسی در اعتبار، انسجام و قابلیت اتکای یافته‌های پژوهش دارد. پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، یعنی بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای، از نوع پژوهش‌های نظری و بنیادی محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف شناخت، تحلیل و تبیین ارتباط میان مفاهیم دینی، اجتماعی و رسانه‌ای انجام شده و تلاش دارد با بهره‌گیری از منابع علمی موجود، چارچوبی مفهومی برای تبیین نقش آموزه‌های دینی در افزایش مقاومت اجتماعی ارائه دهد.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



روش مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی است. در این روش، ابتدا موضوع مورد مطالعه به صورت دقیق توصیف شده و سپس ابعاد مختلف آن مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. پژوهش توصیفی - تحلیلی برخلاف مطالعات صرفاً توصیفی، تنها به جمع آوری اطلاعات اکتفا نمی کند، بلکه با بررسی روابط میان مفاهیم، تلاش می کند چرایی و چگونگی پدیده مورد مطالعه را تبیین نماید. در پژوهش حاضر نیز ابتدا مفاهیم اساسی مانند آموزه های دینی، تاب آوری اجتماعی، جنگ رسانه ای و هجمله های شناختی معرفی شده و سپس ارتباط میان این مفاهیم مورد تحلیل قرار گرفته است.

ماهیت این پژوهش اقتضا می کند که داده ها از طریق روش کتابخانه ای گردآوری شوند. در تحقیقات کتابخانه ای، پژوهشگر با مراجعه به منابع مکتوب و الکترونیکی شامل کتاب ها، مقالات علمی، پایان نامه ها، گزارش های پژوهشی و اسناد معتبر، اطلاعات مورد نیاز خود را جمع آوری می کند. در این پژوهش نیز منابع مرتبط با موضوع از حوزه های علوم دینی، جامعه شناسی، علوم ارتباطات، مطالعات رسانه و روان شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته اند تا تصویری جامع از مسئله پژوهش به دست آید.

جامعه مطالعاتی این پژوهش شامل مجموعه ای از منابع علمی مرتبط با موضوع تحقیق است. این منابع شامل آثار نظری اندیشمندان درباره نقش دین در جامعه، مطالعات انجام شده درباره تاب آوری اجتماعی، پژوهش های مرتبط با سرمایه اجتماعی و تحقیقات حوزه رسانه و تأثیرات آن بر نگرش های اجتماعی است. انتخاب منابع بر اساس میزان ارتباط آن ها با موضوع، اعتبار علمی نویسندگان و انتشار در مجلات و مراکز علمی معتبر انجام شده است. تلاش شده است از منابعی استفاده شود که بتوانند ابعاد مختلف مسئله پژوهش را پوشش دهند.

در مرحله گردآوری اطلاعات، ابتدا کلیدواژه های اصلی پژوهش شامل «آموزه های دینی»، «تاب آوری اجتماعی»، «هجمله های رسانه ای»، «جنگ شناختی»، «سواد رسانه ای»، «سرمایه اجتماعی» و «انسجام اجتماعی» مشخص شد. سپس منابع مرتبط با این مفاهیم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. اطلاعات استخراج شده از منابع مختلف پس از دسته بندی موضوعی، در چارچوب اهداف پژوهش سازمان دهی شدند. این فرآیند موجب شد تا ارتباط میان متغیرهای اصلی پژوهش به شکل منظم تری مورد تحلیل قرار گیرد.

یکی از مراحل اساسی در این پژوهش، مرور نظام مند نسبی پژوهش های پیشین است. بررسی مطالعات گذشته این امکان را فراهم می کند که یافته های علمی موجود شناسایی شده، نقاط قوت و ضعف تحقیقات پیشین مشخص شود و خلأهای پژوهشی موجود آشکار گردد. در این پژوهش، مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با نقش دین در تقویت سرمایه اجتماعی، تأثیر ارزش های فرهنگی بر تاب آوری و نقش رسانه ها در شکل دهی نگرش های اجتماعی بررسی شده اند تا زمینه نظری لازم برای تحلیل موضوع فراهم شود.

استفاده از روش مرور پژوهش های قبلی، امکان مقایسه دیدگاه های مختلف درباره موضوع تحقیق را فراهم می سازد. در این مرحله، نتایج پژوهش های مختلف بررسی شده و تلاش شده است نقاط اشتراک و تفاوت میان دیدگاه های علمی مشخص گردد. این رویکرد به پژوهشگر کمک می کند تا ضمن بهره گیری از یافته های گذشته، تحلیل جدیدی از رابطه میان آموزه های دینی و تاب آوری اجتماعی در شرایط رسانه ای معاصر ارائه دهد.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



روش تحلیل در این پژوهش بر پایه استدلال منطقی استوار است. استدلال منطقی به پژوهشگر اجازه می‌دهد با استفاده از مبانی نظری و یافته‌های موجود، روابط میان مفاهیم را تبیین کند. در این پژوهش، با تکیه بر مبانی علوم اجتماعی و مطالعات دینی، این فرض مورد بررسی قرار گرفته است که آموزه‌های دینی می‌توانند از طریق تقویت هویت جمعی، افزایش اعتماد اجتماعی، ایجاد امید و توسعه اخلاق ارتباطی، زمینه افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر پیام‌های مخرب رسانه‌ای را فراهم کنند.

در این پژوهش، تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شده است. منظور از تحلیل کیفی، بررسی مفاهیم، استخراج مضامین اصلی و تفسیر ارتباط میان آن‌هاست. پژوهشگر تلاش کرده است با مطالعه دقیق منابع، مؤلفه‌های مؤثر در رابطه میان دین و تاب‌آوری اجتماعی را شناسایی کرده و نقش هر یک از این مؤلفه‌ها را در مقابله با هجمه‌های رسانه‌ای توضیح دهد.

این شیوه تحلیل برای موضوعاتی که ماهیت مفهومی و نظری دارند، مناسب است.

یکی از ویژگی‌های روش توصیفی - تحلیلی، امکان بررسی عمیق پدیده‌های اجتماعی بدون محدود شدن به داده‌های عددی است. موضوع حاضر نیز از جمله موضوعاتی است که ابعاد فرهنگی، ارزشی و اجتماعی گسترده‌ای دارد و نمی‌توان آن را صرفاً با روش‌های کمی بررسی کرد. بنابراین، تحلیل مفاهیم و نظریه‌های مرتبط، امکان دستیابی به درک جامع‌تری از نقش آموزه‌های دینی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی را فراهم می‌سازد.

در فرآیند تحلیل، تلاش شده است میان سه حوزه اصلی پژوهش یعنی دین، جامعه و رسانه ارتباط برقرار شود. دین به عنوان منبع تولید معنا و ارزش‌های اجتماعی، جامعه به عنوان بستر تعامل و مقاومت جمعی، و رسانه به عنوان عامل تأثیرگذار بر افکار عمومی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بررسی تعامل این سه حوزه، امکان ارائه تحلیلی چندبعدی از چگونگی شکل‌گیری تاب‌آوری اجتماعی در برابر تهدیدهای رسانه‌ای را فراهم می‌کند.

اعتبار علمی پژوهش حاضر از طریق استفاده از منابع معتبر و مقایسه دیدگاه‌های مختلف افزایش یافته است. در تحقیقات کتابخانه‌ای، کیفیت یافته‌ها وابستگی زیادی به اعتبار منابع مورد استفاده دارد؛ بنابراین تلاش شده است منابعی انتخاب شوند که از نظر علمی دارای اعتبار بوده و توسط پژوهشگران حوزه‌های مرتبط تولید شده باشند. همچنین، استفاده از دیدگاه‌های متنوع موجب شده است تحلیل نهایی از یک‌جانبه‌نگری فاصله داشته باشد.

در این پژوهش برای جلوگیری از برداشت‌های سطحی، مفاهیم کلیدی به صورت دقیق تعریف و بررسی شده‌اند. برای مثال، تاب‌آوری اجتماعی صرفاً به معنای مقاومت در برابر بحران نیست، بلکه شامل توانایی جامعه برای حفظ انسجام، بازسازی روابط اجتماعی و ادامه عملکرد مؤثر در شرایط دشوار است. همچنین هجمه‌های رسانه‌ای به عنوان فرآیندهای هدفمند تأثیرگذاری بر افکار و نگرش‌های عمومی مورد توجه قرار گرفته‌اند.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی- روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



یکی از اهداف مهم روش تحقیق حاضر، دستیابی به یک چارچوب تحلیلی برای توضیح نقش آموزه‌های دینی در مواجهه با چالش‌های رسانه‌ای است. این چارچوب می‌تواند نشان دهد که چگونه ارزش‌های دینی از طریق ایجاد انسجام اجتماعی، تقویت هویت فرهنگی و افزایش قدرت تحلیل مخاطبان، توان مقابله جامعه با پیام‌های رسانه‌ای مخرب را افزایش می‌دهند.

در این پژوهش، اصل بی‌طرفی علمی در بررسی منابع و تحلیل دیدگاه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه موضوع پژوهش دارای ابعاد ارزشی و فرهنگی است، اما تلاش شده است تحلیل‌ها بر اساس مبانی علمی و یافته‌های پژوهشی انجام شود. هدف پژوهش، بررسی نقش و ظرفیت آموزه‌های دینی در یک فرآیند اجتماعی است، نه ارائه قضاوت ارزشی بدون پشتوانه علمی.

محدودیت اصلی این پژوهش، ماهیت کتابخانه‌ای آن است؛ زیرا در این روش امکان بررسی مستقیم دیدگاه افراد جامعه از طریق ابزارهایی مانند پرسشنامه یا مصاحبه وجود ندارد. با این حال، مطالعه گسترده منابع نظری و پژوهش‌های پیشین می‌تواند زمینه مناسبی برای شناخت ابعاد مختلف موضوع فراهم کند و مبنایی برای پژوهش‌های میدانی آینده باشد.

با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای موضوع، در این پژوهش از دستاوردهای حوزه‌های مختلف علمی استفاده شده است. مطالعات دینی، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات و روان‌شناسی اجتماعی هر کدام بخشی از مسئله را توضیح می‌دهند. ترکیب این دیدگاه‌ها موجب شده است تحلیل نهایی از جامعیت بیشتری برخوردار باشد و موضوع از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

فرآیند تحلیل در این پژوهش بر اساس حرکت از مفاهیم کلی به سوی تبیین روابط جزئی‌تر انجام شده است. ابتدا مبانی نظری مربوط به دین، تاب‌آوری و رسانه بررسی شده و سپس ارتباط میان آن‌ها تحلیل شده است. این روند موجب شده است نتیجه‌گیری پژوهش بر پایه چارچوب نظری مشخص و استدلال منظم شکل گیرد.

در نهایت، روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و مرور پژوهش‌های پیشین، امکان بررسی عمیق موضوع پژوهش را فراهم کرده است. این روش کمک می‌کند تا ضمن شناخت ظرفیت‌های آموزه‌های دینی، سازوکارهای تأثیرگذاری آن‌ها بر تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای شناسایی شود و زمینه برای ارائه پیشنهادها علمی و کاربردی فراهم گردد.

بنابراین، روش تحقیق حاضر را می‌توان روشی مناسب برای مطالعه نظری و مفهومی رابطه میان آموزه‌های دینی و تاب‌آوری اجتماعی دانست. استفاده از تحلیل توصیفی، بررسی منابع کتابخانه‌ای، مرور پژوهش‌های گذشته و بهره‌گیری از استدلال منطقی، چارچوبی فراهم کرده است تا مسئله پژوهش به شکل منسجم بررسی شود و نتایج حاصل بتواند به توسعه ادبیات علمی این حوزه کمک نماید.

نتایج و یافته‌ها

یافته‌های حاصل از بررسی منابع و تحلیل مطالعات پیشین نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی می‌توانند نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای ایفا کنند. بررسی مبانی نظری نشان داد که دین صرفاً مجموعه‌ای از باورهای فردی نیست، بلکه دارای کارکردهای اجتماعی گسترده‌ای مانند ایجاد هویت مشترک، تقویت انسجام اجتماعی، افزایش امید و ایجاد احساس



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی- روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



تعلق جمعی است. این ویژگی‌ها سبب می‌شود جامعه در مواجهه با بحران‌های رسانه‌ای، واکنش‌های سنجیده‌تر و مقاوم‌تری از خود نشان دهد. در واقع، آموزه‌های دینی با ایجاد چارچوب معنایی مشترک، ظرفیت جامعه را برای مقابله با پیام‌های مخرب افزایش می‌دهند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، نقش آموزه‌های دینی در تقویت هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی قوی موجب می‌شود افراد جامعه در برابر تلاش‌هایی که با هدف تضعیف ارزش‌ها، ایجاد شکاف اجتماعی یا تغییر نگرش‌های فرهنگی صورت می‌گیرد، مقاومت بیشتری داشته باشند. هجمه‌های رسانه‌ای معمولاً زمانی موفق‌تر عمل می‌کنند که جامعه دچار ضعف هویتی، کاهش اعتماد و گسست ارزشی باشد. در مقابل، وجود هویت دینی و فرهنگی منسجم می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی عمل کرده و مانع از تأثیرگذاری سریع پیام‌های رسانه‌ای شود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که یکی از مهم‌ترین مسیرهای اثرگذاری آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی است. ارزش‌هایی مانند اعتماد، همکاری، مسئولیت‌پذیری، کمک به دیگران و توجه به منافع جمعی که در بسیاری از آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، زمینه شکل‌گیری روابط اجتماعی پایدار را فراهم می‌کنند. جامعه‌ای که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد، در برابر شایعات، اخبار جعلی و تلاش‌های رسانه‌ای برای ایجاد اختلاف، توان مقاومت بیشتری خواهد داشت.

بررسی‌ها نشان داد که آموزه‌های دینی از طریق ایجاد معنا و هدف در زندگی اجتماعی، نقش مؤثری در افزایش امید اجتماعی دارند. هجمه‌های رسانه‌ای در بسیاری از موارد تلاش می‌کنند احساس ناامیدی، بی‌اعتمادی و نارضایتی عمومی را افزایش دهند. در چنین شرایطی، باورهای دینی می‌توانند با تقویت نگرش مثبت به آینده، احساس مسئولیت فردی و اجتماعی را افزایش دهند. این موضوع موجب می‌شود افراد به جای پذیرش منفعلانه پیام‌های منفی، رویکردی فعالانه و تحلیل‌گرانه در برابر آن‌ها اتخاذ کنند.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش، نقش آموزه‌های دینی در ارتقای اخلاق رسانه‌ای است. اصولی مانند پرهیز از انتشار اخبار بدون اطمینان، رعایت انصاف، حفظ آبروی دیگران و مسئولیت در انتقال اطلاعات، می‌توانند چارچوبی اخلاقی برای استفاده از رسانه ایجاد کنند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش مهمی از آسیب‌های ناشی از هجمه‌های رسانه‌ای نه تنها به تولید پیام‌های مخرب، بلکه به بازنشر گسترده و بدون بررسی این پیام‌ها توسط کاربران مربوط می‌شود. بنابراین، تقویت اخلاق رسانه‌ای می‌تواند یکی از راهکارهای افزایش تاب‌آوری اجتماعی باشد.

یافته‌ها نشان داد که سواد رسانه‌ای در کنار آموزه‌های دینی، یکی از عوامل مهم در کاهش آسیب‌پذیری جامعه در برابر رسانه‌هاست. آموزه‌های دینی زمانی می‌توانند نقش مؤثرتری داشته باشند که با مهارت‌های شناختی و تحلیلی همراه شوند. به عبارت دیگر، جامعه مقاوم در برابر هجمه‌های رسانه‌ای، جامعه‌ای نیست که صرفاً در برابر اطلاعات جدید مقاومت کند، بلکه جامعه‌ای است که توانایی تحلیل، ارزیابی و انتخاب آگاهانه اطلاعات را داشته باشد.

نتایج تحلیل منابع نشان داد که رسانه‌ها علاوه بر نقش اطلاع‌رسانی، نقش مهمی در شکل‌دهی ادراک عمومی دارند. از این رو، مقابله با هجمه‌های رسانه‌ای نیازمند توجه به ابعاد شناختی و فرهنگی جامعه است. آموزه‌های دینی می‌توانند با ایجاد چارچوب‌های فکری



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



منسجم، به افراد کمک کنند تا پیام‌های رسانه‌ای را صرفاً بر اساس هیجانات لحظه‌ای ارزیابی نکنند. این موضوع موجب افزایش قدرت تشخیص و کاهش اثرگذاری عملیات روانی خواهد شد.

بررسی مطالعات انجام شده نشان داد که تاب‌آوری اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی است و تنها به مقاومت در برابر تهدید محدود نمی‌شود. این مفهوم شامل توانایی حفظ انسجام، بازسازی روابط اجتماعی، مدیریت بحران و ادامه فعالیت‌های جمعی در شرایط دشوار است. در این میان، آموزه‌های دینی با تأثیرگذاری بر ابعاد فردی و اجتماعی زندگی، می‌توانند زمینه تقویت بسیاری از مؤلفه‌های تاب‌آوری را فراهم کنند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که اعتماد عمومی یکی از مهم‌ترین عوامل ارتباط‌دهنده میان آموزه‌های دینی و تاب‌آوری اجتماعی است. جامعه‌ای که اعضای آن نسبت به یکدیگر و نهادهای اجتماعی اعتماد بیشتری دارند، کمتر تحت تأثیر پیام‌هایی قرار می‌گیرد که با هدف ایجاد بدبینی و اختلاف منتشر می‌شوند.

اعتماد اجتماعی موجب می‌شود افراد در شرایط بحرانی به جای واکنش‌های فردی و هیجانی، به سمت همکاری و مشارکت اجتماعی حرکت کنند.

بررسی منابع نشان داد که نهادهای دینی و فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری رسانه‌ای ایفا کنند. این نهادها با آموزش ارزش‌های اخلاقی، تقویت هویت فرهنگی و افزایش آگاهی اجتماعی، می‌توانند ظرفیت جامعه را برای مواجهه با تهدیدهای نوین ارتباطی افزایش دهند. البته اثربخشی این نقش وابسته به شیوه انتقال پیام و میزان هماهنگی آن با نیازها و شرایط جامعه است.

نتایج تحلیل پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که ارتباط میان دین و تاب‌آوری اجتماعی در بسیاری از مطالعات مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، مطالعاتی مانند پژوهش Norris و همکاران درباره تاب‌آوری اجتماعی و پژوهش‌های حوزه دین و سلامت روان، بر نقش منابع معنایی و اجتماعی در افزایش توان مقابله با بحران‌ها تأکید کرده‌اند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر هماهنگ بوده و نشان می‌دهد دین می‌تواند یکی از منابع مهم ایجاد مقاومت اجتماعی باشد.

یکی از یافته‌های مهم پژوهش، ضرورت توجه به رویکرد فعال در استفاده از رسانه‌هاست. بررسی‌ها نشان داد که مقابله با هجمه‌های رسانه‌ای تنها از طریق محدودسازی یا کاهش مصرف رسانه‌ای امکان‌پذیر نیست، بلکه باید با تولید محتوای مناسب، حضور مؤثر در فضای رسانه‌ای و افزایش توان تحلیل مخاطبان همراه باشد. آموزه‌های دینی می‌توانند در این زمینه به عنوان منبع تولید محتوای هویتی و اخلاقی مورد استفاده قرار گیرند.

یافته‌ها نشان داد که تقویت ارتباط میان نسل جوان و ارزش‌های دینی، نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری آینده جامعه دارد. نسل جوان بیشترین میزان مواجهه را با رسانه‌های نوین دارد و بیش از سایر گروه‌ها در معرض پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار می‌گیرد. بنابراین، انتقال مفاهیم دینی به زبان قابل فهم و متناسب با فضای رسانه‌ای جدید، می‌تواند زمینه افزایش مقاومت فرهنگی و اجتماعی این گروه را فراهم کند.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



بررسی‌ها نشان داد که یکی از پیامدهای مهم آموزه‌های دینی، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. افراد مسئولیت‌پذیر در برابر اخبار و اطلاعات، پیش از انتشار محتوا به بررسی صحت آن می‌پردازند و از تبدیل شدن به عامل انتشار شایعات جلوگیری می‌کنند. این ویژگی در شرایطی که سرعت انتشار اطلاعات بسیار بالاست، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و می‌تواند از گسترش آثار منفی هجمه‌های رسانه‌ای جلوگیری نماید.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تاب‌آوری اجتماعی در برابر رسانه، نیازمند ترکیبی از عوامل فرهنگی، شناختی و اجتماعی است. آموزه‌های دینی به تنهایی عامل ایجاد تاب‌آوری نیستند، بلکه زمانی بیشترین تأثیر را دارند که در کنار آموزش رسانه‌ای، اعتماد اجتماعی و مدیریت فرهنگی قرار گیرند. بنابراین، رویکرد جامع و چندبعدی برای تقویت مقاومت اجتماعی ضروری است.

تحلیل نتایج نشان داد که هجمه‌های رسانه‌ای بیشتر زمانی موفق هستند که بتوانند میان ارزش‌های اجتماعی فاصله ایجاد کنند. در مقابل، آموزه‌های دینی با تأکید بر وحدت، همدلی و مسئولیت جمعی، می‌توانند مانع افزایش شکاف‌های اجتماعی شوند. این ویژگی نشان می‌دهد که دین علاوه بر نقش فردی، دارای ظرفیت مهمی در مدیریت چالش‌های اجتماعی ناشی از فضای رسانه‌ای است.

بررسی منابع نشان داد که برای افزایش تاب‌آوری اجتماعی، توجه به تولیدکنندگان پیام و مخاطبان به صورت هم‌زمان ضروری است. از یک سو، تولیدکنندگان محتوای دینی باید با شناخت ویژگی‌های رسانه‌های جدید، پیام‌های خود را به شیوه‌ای اثربخش ارائه کنند و از سوی دیگر، مخاطبان باید مهارت‌های لازم برای تحلیل پیام‌ها را کسب نمایند. تعامل این دو عامل می‌تواند مقاومت جامعه را در برابر هجمه‌های رسانه‌ای افزایش دهد.

نتایج پژوهش نشان داد که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تقویت آموزه‌های دینی، افزایش انسجام فرهنگی جامعه است. انسجام فرهنگی موجب می‌شود جامعه در مواجهه با تغییرات سریع رسانه‌ای، توانایی بیشتری برای حفظ اصول و ارزش‌های خود داشته باشد. در چنین شرایطی، رسانه به جای تبدیل شدن به عامل تهدید، می‌تواند به ابزاری برای تقویت ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، طراحی برنامه‌های فرهنگی و آموزشی با هدف افزایش تاب‌آوری رسانه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش سواد رسانه‌ای، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی، ترویج اخلاق ارتباطی و معرفی صحیح آموزه‌های دینی باشند. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیشگیری و توانمندسازی اجتماعی، اثربخش‌تر از واکنش‌های مقطعی پس از وقوع بحران رسانه‌ای است.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی از طریق سازوکارهایی مانند تقویت هویت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی، ایجاد امید، توسعه اخلاق رسانه‌ای و افزایش مسئولیت‌پذیری می‌توانند نقش مهمی در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در برابر هجمه‌های رسانه‌ای داشته باشند. بنابراین، بهره‌گیری صحیح از ظرفیت‌های دینی و تلفیق آن با آموزش‌های رسانه‌ای می‌تواند زمینه شکل‌گیری جامعه‌ای آگاه، منسجم و مقاوم در برابر چالش‌های ارتباطی معاصر را فراهم سازد.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی-روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



منابع

- داداشی، مهدی، لزگی، علینقی، و خطیب، سیدمهدی. (۱۴۰۳). مدل مفهومی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی: نظریه داده‌بنیاد. دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی، ۸(۱)، ۲۶-۴۸.
- الوانی، سیدمهدی، و سید نقوی، میرعلی. (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و کاربردها در مدیریت اجتماعی. مجله دانش مدیریت، ۱۴(۵۵)، ۷-۲۲.
- افتخاری، اصغر، و رضایی، محمد. (۱۳۹۲). جنگ نرم و قدرت نرم: مبانی نظری و راهبردهای مقابله. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۹۱). مطالعات فضای مجازی و رسانه‌های نوین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شکرخواه، یونس. (۱۳۹۳). سواد رسانه‌ای. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- منتظر قائم، مهدی. (۱۳۹۰). رسانه، فرهنگ و هویت اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: نشر دیدار.
- کاظمی، علی‌اصغر، و همکاران. (۱۳۹۵). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی جوامع. فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران.

- Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American Journal of Community Psychology*, 41, 127–150.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York, NY: Simon & Schuster.
- Houston, J. B., Spialek, M. L., Cox, J., Greenwood, M. M., & First, J. (2015). The centrality of communication and media in fostering community resilience: A framework for assessment and intervention. *American Behavioral Scientist*, 59(2), 270–283.
- Fröh, J., & Robinson, M. R. (2023). Digital religious communication and the facilitation of social resilience, Part 1: Theoretical model and proposal. *Journal of Religion, Media and Digital Culture*
- Chu, H., & Yang, J. Z. (2020). Building disaster resilience using social messaging networks: The WeChat community in Houston, Texas, during Hurricane Harvey. *Disasters*, 44(4), 726–752.
- Castells, M. (2010). *The rise of the network society* (2nd ed.). Wiley-Blackwell.



همایش بین المللی تحولات نوین در علوم تربیتی روانشناسی و آموزش و پرورش

2
دومین



- Couldry, N., & Hepp, A. (2017). The mediated construction of reality. Polity Press.
- Silverstone, R. (2007). Media and morality: On the rise of the mediapolis. Polity Press.
- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory of mass communication. Media Psychology, 3(3), 265–299.
- Taylor, S. E. (2012). Social psychology (3rd ed.). Pearson.